فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی
سال چهارم، شماره ۱۳، بهار ۱۳۹۵، صفحات ۹۴-۷۷

بررسی رابطه بین مدیریت مالیاتی ومدیریت سود مبتنی‌بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی

سید کاظم ابراهیمی
استادیارحسابداری دانشگاه سمنان
kebrahimi@semnan.ac.ir

منصور احمدی‌مقدم
کارشناس‌ارشدحسابداری (نویسنده مسئول)
Mansour.ahmadimoghadam@gmail.com

امروزه مقوله مدیریت سود توجه بسیاری از محققین را به خود جلب کرده است، به‌طوری‌که محققین بیشتر به‌دنبال دلایل و انگیزه‌های مدیریت سود می‌باشند. یکی از دلایل مدیریت سود، نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها است. هدف از این پژوهش بررسی تأثیر نرخ مؤثر مالیاتی بر مدیریت سود است. برای این منظور، نمونه‌ای متشکل از ۱۰۷ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ بررسی شده‌اند. نرخ مؤثر مالیاتی از طریق تقسیم هزینه مالیات بر سود قبل از مالیات محاسبه می‌شود. نتایج پژوهش با استفاده از الگوی رگرسیون چند متغیره و روش داده‌های تابلویی، بیانگر رابطه مثبتی بین نرخ مؤثر مالیاتی و مدیریت سود اقلام تعهدی اختیاری است. همچنین بین نرخ مؤثر مالیاتی و مدیریت سود واقعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

طبقه‌بندی JEL:M41,H25.

واژه‌های کلیدی: مالیات بر درآمد، اقلام تعهدی اختیاری، مدیریت سود واقعی.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹٤/٦/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱/۱۳

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-04]

۱. مقدمه

مدیران برای دستیابی به منافع خود نظیر پاداش، حفظ موقعیت شغلی، نمایش بهتر عملکرد شرکت، دریافت وام، جلب اعتماد سرمایه‌گذاران، انعقاد قراردادهای مختلف و صرفه‌جویی‌های مالیاتی، سود شرکت را دستکاری می‌کنند. دستکاری سود همیشه به‌معنای بیشتر از واقع نشان دادن سود نمی‌باشد، بلکه برخی مواقع مدیران ترجیح می‌دهند که از طریق کاهش سود، مانع خروج وجه نقد اضافی از شرکت به‌دلیل پرداخت سود سهام یا پرداخت مالیات شوند. این عمل مدیران نیز به‌عنوان مدیریت سود شناخته می‌شود. از جمله عوامل مؤثر بر مدیریت سود، نرخ‌های مالیات بر درآمد شرکت‌هاست(پورحیدری وشفیعی همت‌آباد،۱۳۹۲).

مالیات به‌عنوان اصلی‌ترین ابزار کسب درآمد برای دولت‌ها جهت رسیدن به اهداف اقتصادی و اجتماعی مطرح است. گسترش خدمات عمومی، تأمین اجتماعی و گسترش تعهدات دولت در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی و تلاش در جهت تحقق رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد، پرداخت و دریافت مالیات را به مسئله‌ای مهم و مؤثر تبدیل نموده است. در هر کشوری مالیات به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی دولت در اقتصاد نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند، به‌گونه‌ای که امروزه در کشورهای صنعتی، بهبود و توسعه کارایی و اثربخشی اظهار مالیات مؤدیان و مطالبه آن توسط کارشناسان امور مالیاتی، ضمن رعایت اصل عدالت مالیاتی، از اهمیت بسیاری برخوردار گردیده است(پژویان، ۱۳۸۰).

میزان رعایت قوانین و مقررات، از جمله قوانین مالیاتی به‌طور نسبی به طرز تفکر مدیریت و سیستم مدیریت شرکت‌ها و مؤسسه‌های انتفاعی بستگی دارد. اگر مدیران اعتقاد به شناسایی و پرداخت به‌موقع هزینه مالیات به‌عنوان یک تعهد قانونی و اجتماعی داشته باشند، میزان هزینه مالیات و وضعیت مالیاتی متفاوتی خواهند داشت. در ایران برخی مدیران نسبت به این موضوع حساسیت بیشتری دارند و برخی آن را نه به‌عنوان یک تکلیف بلکه اجبار قانونی تلقی می‌کنند. بنابراین سعی می‌کنند شناسایی و پرداخت آن را همواره با تأخیر انجام دهند(عبدلی و همکاران،۱۳۹۲). از آنجایی که هزینه مالیات، سود شرکت‌ها را کاهش می‌دهد؛ بسیاری از شرکت‌ها فعالیت‌های بسیاری جهت اجتناب از پرداخت مالیات با هدف کاهش درآمد مشمول مالیاتشان انجام می‌دهند.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-04]

اهمیت ارائه اطلاعات قابل اتکا به سرمایه‌گذاران و نتایج اقتصادی ناشی از مدیریت سود می‌تواند این پرسش را به ذهن خطور دهد که آیا شرکت‌ها در موقعیت‌هایی نظیر افزایش نرخ مالیات تمایلی به مدیریت سود دارند؟ هدف این پژوهش در درجه نخست بسط مبانی نظری در رابطه با موضوع پژوهش است. در صورت تحقق این هدف، هدف بعدی این پژوهش آن است تا براساس نتایج آزمون فرضیه‌ها، تأثیر نرخ مؤثر مالیاتی بر مدیریت سود بررسی شود. اهمیت پژوهش این است که به گونه تجربی به تحلیلگران مالی، سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، مدیران و سازمان مالیاتی نشان داده شود که نرخ مالیاتی به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار بر مدیریت سود شرکت‌ها است. بنابراین هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین نرخ مؤثر مالیاتی و مدیریت سود است. ادامه پژوهش شامل بخش‌های زیر می‌باشد: مبانی نظری پیشینه پژوهش، فرضیه‌های پژوهش، روش‌شناسی پژوهش و شرایط انتخاب نمونه، مدل پژوهش، یافته‌های پژوهش و در انتها نتیجه‌گیری و پیشنهادها بیان می‌شود.

۲. مبانی نظری

مالیات بر درآمد شرکت ها به‌عنوان مهم‌ترین جزء مالیات‌های مستقیم، همواره مورد توجه سیاستگذاران و اقتصاددانان بوده است و منبع آن سود و درآمد اشخاص حقوقی دولتی و غیردولتی است که بیشتر به صورت سالانه بر درآمد اشخاص حقوقی وضع می‌شود. از آنجایی که درآمد دولت‌هابه‌طور عمده ناشی از اعمال این نوع مالیات است، دولت‌ها سعی دارند نرخ مالیات را به‌طور مناسبی وضع کنند. این نوع مالیات بر سود شرکت‌ها وضع می‌شود و سهم قابل توجهی از هزینه‌های دولتی را تأمین می‌کند.

در کشورهای توسعه‌یافته، مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی سهم بسیاری از کل درآمدهای مالیاتی کشور را تشکیل می‌دهد. نرخ این مالیات در کشورهای گوناگون متفاوت است و ممکن است تصاعدی باشد که همراه با افزایش درآمد، مالیات نیز اضافه یا به‌صورت مقطوع اعمال می‌شود. تجربه نشان می‌دهد وضع نرخ مقطوع در مورد مالیات بر درآمد شرکت‌ها در کشورهای جهان از مقبولیت بیشتری برخوردار است و بیشتر کشورها از روش نرخ مقطوع استفاده می‌کنند(گرامی،۱۳۸۴).

مدیریت سود مفهومی برگرفته از اندیشه اثرگذاری پدیده‌های غیرمالی بر گزارش‌های حسابداری است. مدیریت سود به مداخله مدیریت در فرایند اندازه‌گیری سود اطلاق می‌شود.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-04]

مفهوم مدیریت سود از زوایای مختلفی مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته و تعاریف مختلفی از آن ارائه شده است. برای نمونه از نظر گاردون (۱۹۶۴) اگر زمانی مدیران روش خاصی از روش‌های حسابداری را برگزینند و نوسانات سودهای گزارش‌شده کاهش یابد، نتیجه مدیریت سود است. آن‌ها همچنین متذکر می‌شوند که مدیران در حدود قدرتشان که ناشی از آزادی عمل در چارچوب اصول و روش‌های پذیرفته‌شده حسابداری است می‌توانند روی سود گزارش‌شده اثر بگذارند (رویچدهیری، ۲۰۰۶).

به عقیده هیلی و والن (۱۹۹۹) مدیریت سود زمانی اتفاق می‌افتد که مدیران از قضاوت‌های شخصی در گزارشگری مالی و ساختار معاملات استفاده می‌کنند. هدف آن‌ها تغییر دادن گزارش‌های مالی به‌منظور گمراه کردن ذی‌نفعان یا تأثیر بر قراردادهایی است که مبتنی بر ارقام حسابداری می‌باشد.

به‌طور کلی می‌توان گفت مدیریت سود یعنی اقدام آگاهانه به‌عمل آمده توسط مدیریت در خصوص چگونگی گزارش سود جهت رسیدن به اهداف خاص به‌گونه‌ای که منطبق با اصول و رویه‌های حسابداری است. هرچند این تعریف در سطح وسیع مورد پذیرش است، اما کاربرد عملیاتی این تعریف‌ها کمی‌دشوار است؛ زیرا قصد و نیت مدیریت شواهد عینی در اختیار نمی‌گذارد. در ادبیات حسابداری ارائه تعریف روشن از مدیریت سود مشکل است، چرا که مرز میان مدیریت سود و تقلب‌های مالی مشخص نیست. تقلب مالی، حذف یا دستکاری عمدی واقعیات اصلی یا داده‌های حسابداری است که در کنار سایر داده‌های موجود موجب تغیر قضاوت یا تصمیم‌گیری استفاده کننده از داده‌ها خواهد شد(کرباسی‌یزدی، ۱۳۹۱).

پژوهش‌های فراوانی در مورد عوامل مؤثر بر مدیریت سود در کشورهای گوناگون انجام گرفته است. از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر مدیریت سود در شرکت‌هامی‌توان به اندازه شرکت، اهرم مالی، پاداش مدیریت، نرخ مالیاتی و ... اشاره کرد. براساس نتایج محققان، مدیران برای کاهش پرداخت‌های مالیاتی، سود را مدیریت می‌کنند. قوانین مالیاتی عامل مهمی‌در انتخاب روش‌ها و رویه‌های حسابداری است. انگیزه شرکت‌ها برای هموار کردن سود حداقل‌نمودن تأثیر مالیات در طول زمان است. از آنجا که سود بیشتر شرکت منجر به پرداخت مالیات بیشتر و خروج نقدینگی می‌شود، به‌ویژه در مواقعی که شرکت دارای بدهی‌های مالیاتی

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-04]

قابل توجهی می‌باشد، مدیر انگیزه دارد دست به مدیریت سود بزند. براساس فرضیه صرفه‌جویی‌های مالیاتی، مدیران از اقلام تعهدی و فعالیت‌های واقعی برای کمتر کردن مالیات شرکت‌ها استفاده می‌نمایند. انگیزه استفاده از مدیریت سود با استفاده از مالیات را می‌توان به نرخ‌های مالیاتی نسبت داد؛ هرچه این نرخ بالاتر باشد، تمایل به استفاده از روش‌های کاهنده سود توسط مدیران شرکت‌ها بیشتر می‌شود(گوان و پورجلالی، ۲۰۰۱). شرکت‌هادر پی هرگونه کاهش در نرخ مالیات بر درآمد، خواهان انتقال سود به دوره‌هایی هستند که در آن‌ها نرخ مالیات بر درآمد کاهش می‌یابد؛ یعنی با اعلام کاهش نرخ مالیات بر درآمد شرکت، سودهای خود را در سال‌های با نرخ مالیاتی بالا به سال‌های با نرخ پایین انتقال دهند.

۳. پیشینه پژوهش

نورحیاتی و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان تأثیر اهرم مالی بر مدیریت سود واقعی پرداختند. برای این منظور تعداد ۳۷۴۵ شرکت را طی بازده زمانی(۲۰۱۱- ۲۰۰۶) در بورس مالزی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج آنها نشان می‌دهد بین اهرم مالی و معیارهای مدیریت سود واقعی(جریان نقد عملیاتی غیرعادی، هزینه غیرعادی تولید و هزینه‌های اختیاری غیرعادی) رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

کرمیرو همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان رابطه بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی در شرایط نااطمینانی محیطی: شواهدی از کانادا را بررسی نمودند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی یک رابطه معناداری وجود دارد. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که نااطمینانی محیطی رابطه بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی را تعضیف می‌کند.

بلیلاک و همکاران (۲۰۱۲) شواهدی فراهم کردند مبنی بر اینکه در شرکت‌هایی که تفاوت مثبت درآمد دفتری و مالیاتی ناشی از مدیریت سود می‌باشد، پایداری سود کمتر است در حالی‌که اگر تفاوت مثبت درآمد دفتری و مالیاتی ناشی از اجتناب مالیاتی باشد، سود پایدارتر است.

دیرنگ و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش خود از نرخ مؤثر مالیاتی نقدی بلندمدت برای آزمون میزان اجتناب از مالیات شرکت‌هاطی دوره ۱۰ ساله استفاده کردند. نتایج حاصل از پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که اختلاف مقطعی قابل ملاحظه‌ای در اجتناب از پرداخت مالیات

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-04]

توسط شرکت‌هاوجود دارد و تقریباً ۲۵ درصد شرکت‌ها توانایی این را دارند که نرخ مؤثر مالیاتی نقدی را زیر ۲۰ درصد نگه دارند.

مشایخ و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان، یکنواختی نرخ مالیات پرداختی و انتظارات سرمایه‌گذاران درباره سود آتی، پرداختند. در پژوهش خود با استفاده از روش شناسی میشکین(۱۹۸۳) به بررسی درک سرمایه‌گذاران از یکنواختی نرخ مالیات پرداختی شرکت‌ها به‌منظور تعیین پایداری سود و اجزای سود پیش از مالیات پرداختند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران از یکنواختی نرخ مالیات پرداختی شرکت‌هابه‌عنوان علامتی برای ارزیابی پایداری سود و اجزای سود قبل از مالیات استفاده نمی‌نمایند.

مشایخ و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی رابطه بین پایداری سود و یکنواختی نرخ مالیات پرداختی در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. برای اندازه‌گیری یکنواختی نرخ مالیات از دو معیار ضریب تغییر نرخ مؤثر مالیات نقدی و ضریب تغییر مالیات نقدی پرداخت‌شده سالانه استفاده شده است. نتایج آن‌ها نشان داد که یکنواختی نرخ مالیات شرکت، اطلاعاتی در خصوص پایداری سود و اجزای آن فراهم نمی‌کند.

خدامی‌پور و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر عضویت در گروه تجاری بر نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌ها پرداختند. نرخ مؤثر مالیاتی را از طریق تقسیم هزینه مالیات بر سود قبل از مالیات محاسبه کردند. نتایج آن‌ها نشان داد که نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌های عضو گروه به‌طور معناداری از شرکت‌های مستقل کمتر است. همچنین، بین اثر متقابل سودآوری و گروه با نرخ مؤثر مالیاتی رابطه معناداری وجود ندارد. به بیان دیگر، همبستگی مثبت بین سودآوری قبل از مالیات و نرخ مؤثر مالیاتی در شرکت‌های عضو گروه، تفاوت معناداری با شرکت‌های مستقل ندارد.

عبدلی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی رابطه بین گزارشگری متهورانه مالی و اندازه شرکت‌ها با سیاست‌های متهورانه مالیاتی پرداختند. گزارشگری متهورانه مالی از طریق متغیر مدیریت سود اندازه‌گیری شده است و وجود سیاست‌های متهورانه مالیاتی از طریق شناسایی اختلافات مالیاتی مؤدی و سازمان امور مالیاتی اندازه‌گیری شده است. نتایج نشان می‌دهد در شرکت‌هایی که شاخص اقلام تعهدی اختیاری بالاتر باشد، تفاوت بین مالیات ابرازی با

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-04]

مالیات تشخیصی شرکت‌ها نیز بیشتر است و اختلاف مالیاتی شرکت‌ها عمدتاً بر روی معافیت مالیاتی موضوع مواد (۱۳۲) و (۱۳۸) قانون مالیات‌های مستقیم بود. این موضوع در شرکت‌های با اندازه بزرگتربسیار بیشتر بود. بررسی‌ها همچنین مشخص نمود که اختلاف دیگر مالیات ابرازی با مالیات تشخیصی شرکت‌ها به‌ویژه در شرکت‌های متوسط و کوچکتر، مربوط به رد نمودن هزینه‌ها بر اساس مفاد ماده (۱۴۷) و (۱۴۸) قانون مالیات‌های مستقیم است.

٤. فرضیه‌های پژوهش

براساس چارچوب ارائه‌شده در مبانی نظری، فرضیه‌های پژوهش به‌صورت زیر تدوین می‌شوند:

فرضیه اول: بین نرخ مؤثر مالیاتی و مدیریت سود اقلام تعهدی اختیاری رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه دوم: بین نرخ مؤثر مالیاتی و مدیریت سود واقعی رابطه معنادار وجود دارد.

٥. روش‌شناسی پژوهش، جامعه و نمونه آماری

این پژوهش از نظر هدف، از دسته کاربردی به‌شمار می‌رود و از نظر روش، پژوهش توصیفی مبتنی بر تحلیل رگرسیونی است که در آن از تحلیل داده‌های ترکیبی و ادغام استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز از لوح فشرده تدبیرپرداز و سایت کدال جمع‌آوری شده است. برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از نرم‌افزار Eviews استفاده شده است.

جامعه آماری پژوهش، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۸تا ۱۳۹۲ هستند. در این پژوهش، نمونه‌گیری با استفاده از روش حذفی سیستماتیک انجام شده است. بنابراین، نمونه انتخابی شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده که شرایط زیر را دارا باشند:

- سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند ماه هر سال باشد.
- طی بازه زمانی پژوهش، سال مالی خود را تغییر نداده باشند.
- اطلاعات صورت‌های مالی آن‌ها از سال۱۳۸۶ به‌طور کامل و پیوسته در دسترس باشد.
- جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری وواسطه‌گری مالی نباشند.

پس از اعمال محدودیت‌های فوق، تعداد شرکت‌های انتخابی ۱۰۷ شرکت گردید.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-04]

٦. مدل پژوهش

برای آزمون فرضیه های پژوهش از مدل رگرسیون چندمتغیره زیر استفاده می‌شود.

$$EM_{it}=\beta_0+\beta_1 ETR_{it}+\beta_2 LEV_{it}+\beta_3 SIZE_{it}+\beta_4 INTEXP_{it}+\beta_5 ROA_{it-1}+\beta_6 SG_{it}+\beta_7 CASH_{it}+\varepsilon_{it} \quad (۱)$$

٦-۱. متغیر وابسته

٦-۱-۱. مدیریت اقلام تعهدی اختیاری(مدیریت سود مبتنی بر ارقام حسابداری- مدل کوتاری و همکاران)

مدلی که کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) طراحی کردند مانند مدل تعدیل‌شده جونز[1] بود. اما در آن از نرخ بازده دارایی‌ها نیز استفاده کردند. آن‌ها در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که این مدل نتایج قوی‌تری نسبت به مدل جونز دارد و با نماد(AMK) نشان داده می‌شود.

$$\frac{TA_t}{Assets_{i,t-1}}=\beta_0\frac{1}{Assets_{i,t-1}}+\beta_1\frac{\Delta sales_{i,t}}{Assets_{i,t-1}}+\beta_2\frac{PPE_{i,t}}{Assets_{i,t-1}}+\beta_3 ROA_{i,t-1}+\varepsilon_{i,t} \quad (۲)$$

$TA_{i,t}$: تفاوت میان سود قبل از اقلام غیرعادی و جریان نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی در دوره جاری.

$Assets_{i,t-1}$: جمع دارایی‌های ابتدای دوره

$\Delta sales_{i,t}$: تغییرات فروش

$PPE_{i,t}$: اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات

$ROA_{i,t-1}$: بازده دارایی‌ها

$\varepsilon_{i,t}$: جزء خطا (اقلام تعهدی اختیاری)

٦-۱-۲. مدیریت سود واقعی

براساس مدل رویچودهری (۲۰۰۶) برای اندازه‌گیری مدیریت سود واقعی استفاده شده است.

1. Jones

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-04]

٦-١-٢-١. جریان نقد عملیاتی غیر عادی

$$\frac{CFO_{i,t}}{Assets_{i,t-1}}=\beta_0\frac{1}{Assets_{i,t-1}}+\beta_1\frac{sales_{i,t}}{Assets_{i,t-1}}+\beta_2\frac{\Delta sales_{i,t}}{Assets_{i,t-1}}+\varepsilon_{i,t} \quad (۳)$$

$CFO_{i,t}$: جریان نقد عملیاتی

$Assets_{i,t-1}$: کل دارایی‌ها در ابتدای دوره

$sales_{i,t}$: فروش

$\Delta sales_{i,t}$: تغییرات فروش

$\varepsilon_{i,t}$: مقدار خطا (جریان نقد عملیاتی غیر عادی)

٦-١-٢-٢. هزینه تولید غیرعادی

$$\frac{PROD_{i,t}}{Assets_{i,t-1}}=\beta_0\frac{1}{Assets_{i,t-1}}+\beta_1\frac{sales_{i,t}}{Assets_{i,t-1}}+\beta_2\frac{\Delta sales_{i,t}}{Assets_{i,t-1}}+\beta_3\frac{\Delta sales_{i,t-1}}{Assets_{i,t-1}}+\varepsilon_{i,t} \quad (۴)$$

$PROD_{i,t}$:هزینه‌های تولید: هزینه تولید= (بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته+ (موجودی کالای پایان دوره–موجودی کالای ابتدای دوره))

$\varepsilon_{i,t}$: مقدار خطا (هزینه تولید غیرعادی)

٦-١-٢-٣. هزینه اختیاری غیرعادی

$$\frac{DISEXP_{i,t}}{Assets_{i,t-1}}=\beta_0\frac{1}{Assets_{i,t-1}}+\beta_1\frac{sales_{i,t}}{Assets_{i,t-1}}+\varepsilon_{i,t} \quad (۵)$$

$DISEXP_{i,t}$: هزینه‌های اداری و فروش وهزینه تبلیغات

$\varepsilon_{i,t}$: مقدار خطا(هزینه اختیاری غیرعادی)

برای اندازه‌گیری متغیر مدیریت سود واقعی، خطاهای این سه مدل را ابتدا با استفاده از نرم‌افزار اکسل استاندارد کرده وسپس با هم جمع می‌کنیم طبق فرمول زیر:

$$\frac{X_i-\mu}{\sigma} \quad (۶)$$

X_i: مقدار هریک از جزء خطاها

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-04]

μ: میانگین کل جزء خطاها و

σ: انحراف معیار خطاها

٦-۲. متغیر مستقل

نرخ مؤثر مالیاتی(ETR): که ازتقسیم هزینه مالیات بر سود قبل از مالیات به‌دست می‌آید.

٦-۳. متغیرهای کنترلی

LEV: اهرم مالی برابر با نسبت جمع بدهی‌ها به جمع دارایی‌ها در پایان دوره تعریف شده است که بر مدیریت سود مؤثر است.

SIZE: اندازه شرکت که برابر با لگاریتم کل دارایی‌ها، از عوامل مؤثر بر مدیریت سود، اندازه شرکت می‌باشد. پایداری و قابلیت پیش‌بینی عملیات در شرکت‌های بزرگتر بیشتر است و باعث کاهش مدیریت سود می‌شود(دیچو و دیچو، ۲۰۰۲).

INTEXP: هزینه بهره/کل بدهی‌های بلندمدت. هزینه بهره بالاتر قادر است رفتار فرصت‌طلبانه مدیران را کنترل کند (جنسن،۱۹۸۶).

ROA: بازده دارایی‌ها. پژوهشی که کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) انجام دادند، نشان داد که بین بازده دارایی‌ها و مدیریت سود رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

SG: رشد جاری فروش (تغییرات فروش امسال نسبت به سال قبل/فروش سال قبل).

CASH: وجه نقد و معادل نقد/کل دارایی‌ها. رشد(نوسان) فروش و وجه نقد، نشان‌دهنده نوسان در محیط عملیاتی شرکت است. طبیعی است که در محیط عملیاتی شرکت نوسان بسیاری وجود داشته باشد، احتمال بروز خطا در پیش‌بینی و برآورد اقلام افزایش می‌یابد و این امر بر مدیریت سود مؤثر است(دیچو و دیچو، ۲۰۰۲).

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-04]

۷. یافته‌های پژوهش

۷-۱. آمار توصیفی

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرها.

نام متغیر	میانگین	میانه	کمینه	بیشینه	انحراف معیار	ضریب چولگی	ضریب کشیدگی
نرخ مؤثر مالیاتی	۰/۰۷۱	۰/۰۳۷	۰	۰/۲۴۱	۰/۱۰۹	۶/۶۳۴	۷۵/۶۱۲
اهرم مالی	۰/۶۷۹	۰/۶۷۲	۰/۰۶۶	۰/۹۰۲	۰/۱۸۷	۴/۱۵۰	۵۰/۲۵۵
اندازه	۶/۰۶۶	۵/۹۷۵	۴/۳۸۸	۸/۵۰۷	۰/۶۶۰	۰/۶۱۱	۳/۷۲۰
هزینه بهره	۰/۰۶۳	۰/۰۵۸	-۰/۰۳۵	۰/۷۸۷	۰/۰۵۶	۶/۰۵۷	۷۰/۶۶۱
بازده دارایی‌ها	۰/۱۳۵	۰/۰۹۰	-۰/۸۸۹	۱/۲۰۹	۰/۱۹۰	۱/۲۶۱	۸/۲۳۲
رشد فروش	۰/۳۴۱	۰/۲۰۸	-۰/۹۴۴	۱/۶۴۹	۱/۰۸۶	۹/۱۷۲	۱۰۹/۳۳۰
وجه نقد و معادل نقد	۰/۰۵۴	۰/۰۳۲	۰/۰۰۱	۰/۴۰۹	۰/۰۶۲	۱۳/۶۶۴	۲۵۵/۰۶۰
اقلام تعهدی اختیاری	-۰/۰۴۹	-۰/۰۵۲	-۱/۲۰۲	۳/۷۰۲	۰/۲۱۶	۹/۵۴۳	۱۷۱/۰۳۹
مدیریت سودواقعی	۰/۰۰۱	-۰/۱۳۹	-۱۸/۶۶۰	۱۱/۶۲۱	۱/۵۴۱	-۱/۹۱۷	۴۹/۴۷۰

مأخذ: نتایج تحقیق.

در جدول (۱) برخی مفاهیم آمار توصیفی شامل میانگین، میانه، کمینه، بیشینه مشاهده‌ها، انحراف معیار، ضریب چولگی و ضریب کشیدگی ارائه شده است. اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که بیانگر نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها می‌باشد. تمام متغیرهای پژوهش به استثنای مدیریت سود واقعی دارای چولگی مثبت هستند. با توجه به مثبت بودن ضریب چولگی می‌توان گفت که توزیع متغیرهای یادشده دارای چوله به راست هستند و ضریب کشیدگی تمام متغیرها مثبت می‌باشد که بیان‌کننده این است که بلندی و کشیدگی آن‌ها از بلندی و کشیدگی توزیع نرمال بیشتر است. برای مثال مقادیر متغیرهای اهرم مالی، بازده دارایی‌ها و وجه نقد و معادل وجه نقد رابه‌صورت آماری تفسیر می‌نماییم. مقدار میانگین برای متغیر اهرم مالی برابر با (۰/۶۷۹) می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند؛ یعنی نزدیک به ۶۸ درصد سرمایه شرکت‌های نمونه از طریق بدهی تأمین شده است. میانگین بازده دارایی‌ها برابر با (۰/۱۳۵) است که نشان می‌دهد میانگین بازدهی دارایی‌های شرکت‌های نمونه برابر با ۱۳/۵ درصد است. میانگین وجه نقد و معادل وجه نقد برابر با (۰/۰۵۴) است که نشان می‌دهد ۵درصد از دارایی‌های شرکت‌های نمونه

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-04]

را وجه نقد و معادل وجه نقد تشکیل می‌دهند. میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی است که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج مقدار میانه برای اهرم مالی برابر با ۰/۶۷۲ می‌باشد که بیانگر این است اهرم مالی نیمی از شرکت‌ها کمتر از ۶۷ درصدو نیمی‌دیگر بیشتر از این مقدار است. میانه بازده دارایی‌ها برابر با (۰/۰۹۰) است که نشان‌دهنده این است که نیمی از بازدهی شرکت‌ها کمتر از۹ درصد است و نیمی‌دیگر بیشتر از ۹ درصد است. میانه وجه نقد و معادل وجه نقد برابر با (۰/۰۳۲) است که نشان می‌دهد کمتر از ۳ درصد از دارایی‌های نیمی از شرکت‌های نمونه را وجه نقد و معادل وجه نقد تشکیل می‌دهد و نیم دیگر بیشتر از ۳ درصد از دارایی‌های شرکت ها را وجه نقد و معادل وجه نقد تشکیل می‌دهد.

انحراف معیار یکی از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی است و معیاری برای میزان پراکندگی مشاهدات از میانگین است و مقدار آن برای اهرم مالی برابر با ۰/۲۸۷ و برای بازده دارایی‌ها۰/۱۹۰ و برای وجه نقد و معادل وجه نقد ۰/۰۶۲ است. ضریب چولگی و کشیدگی متغیر اهرم مالی، بازده دارایی‌ها و وجه نقد و معادل وجه نقد مثبت است؛ بنابراین می‌توان گفت که توزیع متغیر اهرم مالی، بازده دارایی‌ها و وجه نقد و معادل وجه نقد چوله به راست بوده و کشیدگی آنها از بلندی و کشیدگی توزیع نرمال بیشتر است.

۷-۲. نتایج آزمون فرضیه‌ها

از آنجا که داده‌ها به‌صورت ترکیبی هستند، در گام اول پژوهش از آماره اف. لیمر برای تشخیص داده‌های کلاسیک از پانل استفاده می‌شود. در صورت انتخاب داده‌های پانل، گام بعدی تصمیم‌گیری در مورد انتخاب یکی از دو روش اثرات ثابت یا تصادفی است. برای این کار معمولاً از آزمون هاسمن استفاده می‌کنند. خلاصه نتایج آزمون F لیمر در جدول (۲) ارائه شده است.

با توجه به سطح معناداری به‌دست آمده از جدول (۲)، نتایج آزمون بیانگر این است که مقاطع مورد بررسی ناهمگن و دارای تفاوت‌های فردی بوده و استفاده از روش داده‌های تابلویی(پانل) مناسب‌تر است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-04]

جدول ۲. نتایج آزمون اف لیمر

مدل پژوهش	آمارهF	درجه آزادی	سطح معناداری
مدل(۱) برای فرضیه اول	۵/۵۴۵	۱۰۶/۴۲۱	۰/۰۰۰
مدل(۲) برای فرضیه دوم	۶/۵۵۸	۱۰۶/۴۲۱	۰/۰۰۰

مأخذ: نتایج تحقیق.

پس از انتخاب روش داده‌های تابلویی توسط آزمون F لیمر، آزمون هاسمن انجام گرفت که نتایج آن در جدول شماره (۳) نشان داده شده است. نتایج نشان می‌دهد سطح معناداری در هر دو مدل کمتر از۵ درصد است، لذا بر استفاده از اثرات ثابت دلالت دارد.

جدول ۳. نتایج آزمون هاسمن

مدل پژوهش	آماره آزمون	در جه آزادی	سطح معناداری
مدل(۱) برای فرضیه اول	۱۷/۵۵۲	۷	۰/۰۱۴
مدل(۲) برای فرضیه دوم	۱۴/۸۰۷	۷	۰/۰۳۸

مأخذ: نتایج تحقیق.

۷-۳. نتایج آزمون فرضیه اول

جدول ٤. نتایج آزمون فرضیه اول

متغیر مستقل	علامت اختصاری	ضریب	خطای استاندارد	آمارهt	سطح معناداری
مقدار ثابت	β	-۰/۱۱۴	۰/۱۷۳	-۰/۶۵۹	۰/۵۰۹
نرخ مؤثر مالیاتی	ETR	۰/۰۵۵	۰/۰۱۹	۲/۹۰۳	۰/۰۰۳
اهرم مالی	LEV	۰/۰۷۸	۰/۰۳۰	۲/۵۸۸	۰/۰۱۰
اندازه	SIZE	-۰/۰۰۲	۰/۰۲۸	-۰/۰۷۵	۰/۹۳۹
هزینه بهره	INTEXP	-۰/۰۲۲	۰/۰۵۶	-۰/۳۸۷	۰/۶۹۸
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۳۰۷	۰/۰۳۹	۷/۷۷۲	۰/۰۰۰
رشد فروش	SG	۰/۰۰۶	۰/۰۰۵	۱/۱۵۸	۰/۲۴۷
وجه نقد و معادل نقد	CASH	-۰/۳۶۱	۰/۰۵۹	-۶/۰۸۰	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل‌شده R^2	۰/۵۲	آمارهF	F-Ststistic	۶/۳۲۶	----
آماره دوربین واتسون	۲/۱۹	سطح معناداری	Prob(F-Ststistic)	۰/۰۰۰	----

مأخذ: نتایج تحقیق.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-04]

فرضیه اول پژوهش با استفاده از رابطه(۱) آزمون شده است. با توجه به نتایج قابل مشاهده در جدول(۴) و با توجه آماره Fبه‌دست آمده(۶/۳۲۶) و سطح خطای آن(۰/۰۰۰)، می‌توان ادعا کرد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، در مجموع الگوی پژوهش از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین، با توجه به ضریب تعیین تعدیل‌شده به‌دست آمده برای الگو که برابر۵۲ درصد است، می‌توان ادعا کرد که مجموع متغیرهای مستقل و کنترلی پژوهش بیش از ۵۲ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند و نیز، با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون که برابر ۲/۱۹ است، می‌توان ادعا کرد که خودهمبستگی مرتبه اول میان باقیمانده‌های مدل وجود ندارد.

در فرضیه اول به بررسی رابطه بین نرخ مؤثر مالیاتی و مدیریت سود اقلام تعهدی اختیاری پرداخته شده است. با توجه به نتایج به‌دست آمده در جدول(۴) از تخمین مدل و ضریب نرخ مؤثر مالیاتی(۰/۰۵۵) و سطح خطای آن(۰/۰۰۳) می‌توان ادعا کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، نرخ مؤثر مالیاتی رابطه مثبت و معناداری با مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری دارد.

۷-٤. نتایج آزمون فرضیه دوم

جدول ۵. نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیر مستقل	علامت اختصاری	ضریب	خطای استاندارد	آمارهt	سطح معناداری
مقدار ثابت	β	-۴/۴۹۷	۱/۱۴۸	-۴/۳۳۵	۰/۰۰۰
نرخ مؤثر مالیاتی	ETR	۰/۲۲۵	۰/۰۸۸	۲/۵۵۸	۰/۰۱۰
اهرم مالی	LEV	-۰/۳۶۲	۰/۱۷۵	-۲/۰۷۱	۰/۰۳۸
اندازه	SIZE	۰/۸۲۷	۰/۱۸۷	۴/۴۰۵	۰/۰۰۰
هزینه بهره	INTEXP	۱/۰۷۲	۰/۳۸۰	۲/۸۱۸	۰/۰۰۵
بازده دارایی‌ها	ROA	-۰/۲۳۶	۰/۲۵۵	-۰/۹۲۳	۰/۳۵۶
رشد فروش	SG	-۰/۰۰۲	۰/۰۴۳	-۰/۰۴۹	۰/۹۶۰
وجه نقد و معادل نقد	CASH	۱/۸۵۸	۰/۳۵۶	۵/۲۰۸	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل‌شده R^2	آمارهF	۰/۶۳	F-Ststistic	۹/۲۳۲	----
آماره دوربین واتسون	احتمال	۲/۱۹	Prob(F-Ststistic)	۰/۰۰۰	----

مأخذ: نتایج تحقیق.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-04]

فرضیه دوم پژوهش نیز با استفاده از رابطه(۱) آزمون شده است. با توجه به نتایج قابل مشاهده در جدول(۵) و با توجه آماره Fبه‌دست آمده(۹/۲۳۲) و سطح خطای آن(۰/۰۰۰)، می‌توان ادعا کرد که در سطح اطمینان۹۹ درصد، در مجموع الگوی پژوهش از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین، با توجه به ضریب تعیین تعدیل‌شده به‌دست آمده برای الگو که برابر۶۳ درصد است، می‌توان ادعا کرد که مجموع متغیرهای مستقل و کنترلی پژوهش بیش از ۶۳ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهندو نیز، با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون که برابر ۲/۱۹ است، می‌توان ادعا کرد که خودهمبستگی مرتبه اول میان باقیمانده‌های مدل وجود ندارد.

در فرضیه دوم به بررسی رابطه بین نرخ مؤثر مالیاتی و مدیریت سودواقعی پرداخته شده است. با توجه به نتایج به‌دست آمده در جدول(۵) از تخمین مدل و ضریب نرخ مؤثر مالیاتی(۰/۲۲۵) و سطح خطای آن(۰/۰۱۰) می‌توان ادعا کرد که در سطح اطمینان۹۵ درصد، نرخ مؤثر مالیاتی رابطه مثبت و معناداری با مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی دارد.

۸. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

سود گزارش‌شده در صورت‌های مالی ازجمله اطلاعات مالی با اهمیتی است که هنگام تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و مالی توسط افراد مختلف در نظر گرفته می‌شود، به‌طوری‌که تحلیلگران از سود گزارش‌شده برای بررسی‌ها و قضاوت‌های خود استفاده می‌کنند. با توجه به اهمیت سود و محتوای اطلاعاتی بالایی که سود دارد و همچنین با توجه به اینکه محاسبه سود بنگاه اقتصادی متأثر از روش‌های حسابداری است و تهیه صورت‌های مالی بر عهده مدیریت واحد تجاری است، مدیران شرکت‌ها همواره تلاش می‌کنند در راستای اهداف خاصی که دنبال می‌کنند مبلغ سود گزارش‌شده در صورت‌های مالی را دستکاری نمایند یا به‌عبارت دیگر مدیران سعی در مدیریت سود برای تحقق اهداف خود دارند؛ از جمله عوامل تأثیرگذار بر مدیریت سود، نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌هاست.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین نرخ مؤثر مالیاتی با شیوه‌های مدیریت سود(اقلام تعهدی اختیاری و فعالیت‌های واقعی) رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. بنابراین با تغییر نرخ مالیاتی(افزایش یا کاهش) مدیریت سود نیز افزایش یا کاهش می‌یابد. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش پورحیدری و شفیعی همت‌آباد (۱۳۹۲) و گوان و پورجلالی (۲۰۰۱) هم‌سو و منطبق است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-04]

با توجه به نتایج فرضیه اول پیشنهاد می‌شود که سرمایه‌گذاران، تحلیلگران مالی و اعتباردهندگان و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی در ارزیابی عملکرد شرکت‌های با کیفیت سود پایین از مالیات قطعی(به‌دلیل کاهش مشکلات زمان‌بندی و عدم تطابق هزینه و درآمد مناسب در سیستم تعهدی) به‌عنوان یکی از معیارهای ارزیابی عملکرد شرکت استفاده نمایندو نیز با توجه به نتایج فرضیه دوم پژوهش پیشنهاد می‌شود در راستای کاهش مدیریت سود و افزایش کیفیت سود به سازمان امور مالیاتی و سازمان حسابرسی و سازمان بورس اوراق بهادار برای ازبین رفتن سیستم دوگانه گزارشگری مالی و مالیاتی در پیش نویس طرح جامع مالیاتی، موضوع تطابق بین استانداردهای حسابداری و قوانین مالیاتی را به‌عنوان مبنای این طرح در نظر بگیرند که این موضوع سبب کاهش اختلاف سود ابرازی و درآمد مشمول مالیات و توجه تحلیلگران و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی به متغیر مالیات به‌عنوان یکی از اقلام صورت‌های مالی و در نهایت تأثیر آن بر قیمت‌های سهام خواهد شد.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-04]

منابع

پورحیدری، امید و حمیده شفیعی‌همت‌آباد (۱۳۹۲)، "بررسی تأثیر تغییر نرخ مالیاتی شرکت‌ها بر مدیریت سود"، *پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی*، سال ۲،شماره ۲، صص۴۴-۲۵.

پژویان، جمشید(۱۳۸۰)،*اقتصاد بخش عمومی(مالیات‌ها)*، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

خدامی‌پور، احمد؛ امینی‌نیا، میثم و محمدحسن فدوی (۱۳۹۲)،"بررسی تأثیر عضویت در گروه تجاری بر نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌ها"،*پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*،سال ۵، شماره ۱۸، صص ۱۵۰-۱۲۹.

عبدلی، محمدرضا؛ شوروزس، محمدرضا وسعیده میرزایی (۱۳۹۱)، *بررسی ارتباط بین سیاست‌های مالیاتی متهورانه و شفافیت شرکتی*،پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه علوم تحقیقات نیشابور.

عبدلی، محمدرضا؛ بخشی، حسین وسید احمد حسینی(۱۳۹۲)،"بررسی رابطه بین گزارشگری متهورانه مالی و اندازه شرکت‌ها با سیاست‌های متهورانه مالیاتی"، *پژوهشنامه مالیات*،شماره ۱۹، صص ۱۷۰-۱۵۷.

کرباسی‌یزدی(۱۳۹۱)، *تئوری حسابداری (۱)*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد.

گرامی، مریم (۱۳۸۴)،"بررسی نرخ‌های مالیاتی در برخی از کشورها و مقایسه آن با ایران"، *نشریه اقتصاد*، شماره ۴۳، صص۴۴-۳۲.

مشایخ، شهناز؛ قاسمی، مهسا ومنیژه رامشه (۱۳۹۲)، "بررسی رابطه بین پایداری سود و یکنواختی نرخ مالیات پرداختی در بورس اوراق بهادار تهران"، *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، سال ۳، شماره ۱۰، صص۱۶۶-۱۴۷.

مشایخ، شهناز؛ قاسمی، مهسا ومنیژه رامشه (۱۳۹۳)،"یکنواختی نرخ مالیات پرداختی و انتظارات سرمایه‌گذاران درباره سود آتی"، *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، شماره ۲۳، صص۸۷-۷۰.

Blaylock, B., Shevlin, T. & R. Wilson (2012), "Tax Avoidance, Large Positive Book-Tax Differences and Earnings Persistence", *the Accounting Review*, Forthcoming.

Cormier, D., Sylvain, H., & L. Marie (2013), the Incidence of Earnings Management on Information Asymmetry in a Certain Environment: Some Canadian Evidence, *Journal of International Accounting*, Auditing and Taxation, Vol. 22, PP. 26– 38.

Dyreng, S. D.; Hanlon, M. & E. L. Maydew (2010), "the Effects of Executives on Corporate Tax Avoidance", Working Paper.

Dechow, P & I. D. Dichev (2002), "the Quality of Accruals and Earnings: The Role of Accrual Estimation Errors", *the Accounting Review*, Vol. 77, PP. 35–59.

Guan, L. & H. Pourjalali (2001), "Effect of Cultural Environment and Accounting Regulation On Earning Management: a Multiple Year-Country Analysis", *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics Research*, Vol. 32, PP. 79–96.

Gordon, M. J. (1964), "Postulates, Principles and Research in Accounting", *the Accounting Review*, Vol. 39, No. 2, PP. 251-264.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-04]

Healy, P. M. & J. M. Wahlen (1999), "a Review of the Earnings Management Literature and its Implications for Standard Setting", *Accounting Horizons*, Vol. 13, No. 4, PP. 365-383.

Jensen, M. (1986), "Agency Costs of Free Cash Flow, Corporate Finance and Takeovers", *American Economic Review*, Vol.76, No.2, PP. 323- 329.

Kothari, S. P.; Leone, A. J. & C. E. Wasley (2005), "Performance Matched Discretionary Accrual Measures", *Journal of Accounting & Economics*, Vol. 39, No. 1, PP. 163-197.

NorhayatiZamri; Rahayu Abdul Rahman & Noor Saati laMohdIsa (2013), "the Impact of Leverage on Real Earnings Management", *Procedia Economics and Finance*, Vol. 7 , PP. 86–95.

Roychowdhury, S. (2006), "Management of Earnings through the Manipulation of Real Activities that Affect Cash Flow from Operations", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 42, No. 3, PP. 335-370.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-04]